



Investigating the monetary penalty in the penal code of Afghanistan

Abstract

Cash punishment is one of the main punishments in Afghanistan's criminal law. Monetary punishment, like other criminal reactions, has always been investigated by criminal law thinkers and its advantages and disadvantages have been identified. According to the advantages of monetary penalty, the Afghan legislator in Codejaza (2016) stated the examples and cases of monetary penalty and the rules governing it in detail, in addition to numerous articles, and tried his best to eliminate the shortcomings of monetary penalty by establishing principles and rules. Eliminate or minimize. Determining a monetary penalty with the national currency, reconsidering the amount of monetary penalty, respecting the principle of personal responsibility for the penalty, methods of obtaining monetary penalty, increasing the monetary penalty according to the condition of the convicted person, etc. are among the most important solutions in Penal Code has been provided by the legislator to eliminate the disadvantages and challenges of monetary penalty.

Keywords: Fine, disadvantages, privileges, governing rules, examples, and solutions.



بررسی جزای نقدی در کود جزای افغانستان

عبدالکریم اسکندری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۴

چکیده

مجازات نقدی از جزاهای اصلی در قانون جزای افغانستان است. مجازات نقدی همانند سایر واکنش‌های کیفری همواره از سوی اندیشمندان حقوق جزا بررسی و معایب و امتیازات آن مورد شناسایی قرار گرفته است. با توجه به مزیت‌های جزای نقدی قانونگذار افغانستان در کودجزا (۱۳۹۶) مصاديق و موارد جزای نقدی و قواعد حاكم بر آن را در ضمن مواد متعدد به طور مفصل بیان وحداکثر تلاش نموده که با وضع اصول و قواعد، کاستی‌های جزای نقدی را از بین برده یا به حداقل برساند. تعیین جزای نقدی با پول ملی، تجدیدنظر در مورد میزان تعیین جزای نقدی، رعایت اصل شخصی بودن مسولیت جزای، روش‌های حصول جزای نقدی، افزایش جزای نقدی با توجه به وضعیت محکوم علیه و... از مهم‌ترین راهکارهای است که در کود جزا از سوی مقنن در راستای زدودن معایب و چالش‌های جزای نقدی پیش‌بینی شده است.

واژگان کلیدی: جزای نقدی، معایب، امتیازات، قواعد حاکم، مصاديق و راهکارها.

*معاون علمی دانشگاه خاتم النبیین (ص)، دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه تهران.

جزای نقدی مجازاتی است که مجرمان در راستای نقض بسیاری از قوانین و مقررات اجتماعی و ارتکاب جرائم مالی، موظف به پرداخت آن به خزانه دولت است. این جزا به عنوان مجازات بسیاری از جرایم و حتی در نقش مجازات جایگزین بسیار مهم است، زیرا از یک سو با اجرای آن نهایتاً دولت منتفع می‌شود و از سوی دیگر به عنوان ضمانت اجرای برهم زدن نظم عمومی ابزاری است در دست مقنن که نقش کیفری خود را در میان سایر مجازات‌ها ایفا می‌کند.

لازم به ذکر است که ماهیت جزا نقدی با جریمه نقدی، جبران خسارت مالی، دیه، مصادره و ضبط اموال کاملاً تفاوت دارد. جزا نقدی با معايب چون عدم رعایت اصول شخصی بودن مسولیت جزا، عدم بازدارندگی، عدم اثرگذاری تساوی، تطبیق نشدن و... مواجه است؛ اما امتیازات جزا نقدی (مانند انعطاف‌پذیری جزا نقدی، جلوگیری از آسیب های حبس و عدم تحمل هزینه بر دولت و جامعه)، قانونگذاران را قادر نموده تا این نهاد حقوقی را به عنوان واکنش جزا و در برابر بسیاری از رفتارهای مجرمانه به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی نماید. قانونگذار افغانستان نیز با توجه به همین واقعیت، جزا نقدی را در هر دوره قانونگذاری مدنظر قرار داده و جزا نقدی را در کنار حبس و اعدام به عنوان مجازات اصلی مقرر نموده است.

تحقیق حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که موقعیت جزا نقدی در حقوق جزا افغانستان چگونه پیش‌بینی شده است؟ و قانونگذار افغانستان چه قواعد و اصولی را برای تطبیق مجازات نقدی و رفع کاستی‌های آن در کود جزا در نظر گرفته است؟ فرض بر این است که مجازات نقدی در کود جزا افغانستان به عنوان جزا اصلی مقرر شده و قانونگذار راهکارهای جهت اجرایی شدن و رفع کاستی‌های آن پیش‌بینی کرده است. بررسی این موضوع ایجاب می‌کند در ابتدا مفهوم جزا نقدی و مفاهیم مشابه آن و سپس قواعد و اصول حاکم بر جزا نقدی از سوی مقنن مورد ارزیابی قرار گیرد و سرانجام به راهکارهای رفع معايب جزا نقدی با توجه موارد قانونی پرداخته شود.

الف) بررسی مفاهیم کلیدی تحقیق

در این بخش ضرورت دارد که در آغاز جزا نقدی تعریف و رابطه آن با مفاهیم مشابه مشخص گردد. به همین منظور در آغاز جزا نقدی در لغت و اصطلاح تعریف و سپس مفاهیم مشابه با جزا نقدی بررسی می‌گردد.

۱. تعریف جزای نقدی

جزای نقدی از دو واژه جزا و نقدی ترکیب یافته است؛ «نقد» در لغت به معنی: «آنچه در حال داده می‌شود، خلاف نسیه، مال حاضر، پول حاضر.» (دهخدا، ۱۳۸۴، ۲۹) یا «آن چیزی است که به پول نقد و رایج پرداخت شود.» (معین، ۱۳۹۵، ۳۴) بعضی آنرا به معنی: «پول یا بهاء آنچه فی الحال داده می‌شود.» (عمید، ۱۳۶۷، ۵۰) به کار برده‌اند.

در اصطلاح علم حقوق؛ جزای نقدی به میزان مشخص پولی اطلاق می‌گردد که در قبال جرم ارتکاب یافته از سوی محکمه تعیین شده و شخص مجرم مکلف به پرداخت این میزان پول است. یکی از محققان در تعریف جزای نقدی گفته است: جزای نقدی به الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغ معینی از پول نقد به خزانه دولت گفته می‌شود که مقدار آن را محکمه تعیین می‌کند. (حسنی، بی‌تا، ۷۵۸) دیگری گفته است جزای نقدی، عبارت است از الزام محکوم علیه به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۹۰) در ماده ۱۳۹ کودجزا، جزای نقدی این گونه تعریف شده است: «جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم بها به خزانه دولت.»

باتوجه به تعریف جزای نقدی یادآوری نکاتی را لازم می‌دانیم:

نکته اول: تعریف اصطلاحی جزای نقدی تا حدودی از معنی لغوی «خلاف نسیه» دور افتاده است. بدین صورت که «نقدی» در مقابل «نسیه» مدنظر نیست، بلکه جزای نقدی یکی از مجازات‌های مالی است، که مرتكب عمل مجرمانه (فعل یا ترک فعل) ملزم است آن را به خزانه دولت واریز نماید.

نکته دوم: در قانون برخی از کشورها قانون‌گذار همیشه مبلغ رایج را مورد حکم قرار نمی‌دهد، بلکه در موارد معدهودی طلا را مورد حکم قرار می‌دهد. این موضوع شاید به جهت ارزش اعتباری پول و ارزش ذاتی طلا باشد. (ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۷۱)

اما در کود جزای افغانستان در بخش جزای نقدی هیچ جایگزینی برای پول نقد افغانی بیان نشده است، حتی به صراحة بیان شده که فقط پول افغانی می‌تواند برای مجازات نقدی استفاده شود.

نکته سوم: کلماتی چون جریمه نقدی، غرامت جزایی، محکومیت نقدی، غرامت، مجازات نقدی، جزای نقدی، جریمه، غرامت نقدی و جریمه جزایی، همگی معادل «جزای نقدی»

می باشدند. در قانون افغانستان عموماً تعبیر به جزای نقدی می کنند و در موارد اندک از جزای نقدی به جرمیه نقدی یاد می گردد.

۲. تفاوت جزای نقدی با جبران خسارت مدنی

در گذشته تمییز و تشخیص جزای نقدی و خسارت مدنی مشکل و با هم مشتبه می شدند. «گارو» حقوقدان مشهور فرانسوی می نویسد: «شاید علت اشتباه این باشد که جزای نقدی در خط مرزی بین مجازات و خسارت قرار گرفته است.» (گارو، ۱۳۴۴، ۲۹). به عبارت دگر هم جبران خسارت مدنی و هم جزای نقدی از جمله التزامات مالی و موضوع هر دو مال است و شخص محکوم علیه باید مال معین مورد حکم محکمه را پرداخت نماید اما جزای نقدی با جبران خسارت تفاوت های جدی و اساسی دارد که در ذیل بیان می گردد.

۱-۲. تفاوت در معیار

خسارت مدنی؛ مالی است که باید از طرف وارد کننده ضرر به متضرر داده شود. جزای نقدی نوعی از مجازات است، در حالی که جبران خسارت مجازات نیست. جزای نقدی چون مجازات است، همه ویژگی ها و خصوصیات آن را دارد. از جمله تابع اصل قانونی بودن جرایم است و باید قانون نوع و میزان دقیق حداقل و حداکثر آن را برای رفتارهای خاصی پیش بینی کند. هنگامی که قانون، جزای نقدی را به عنوان مجازات جرمی تعیین کرد، همانند دیگر جزاهای، مشروط به حکم و فیصله قضائی است. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۹۷) قاضی نمی تواند کمتر یا بیشتر از میزانی که قانون مشخص کرده است، شخصی را محکوم به جزای نقدی کند. قضائی در صورتی می تواند شخصی را به جزای نقدی محکوم کند که ارکان جرم ارتکابی تحقیق یافته و عوامل مانع مسئولیت جزای منتفی باشد. همچنین در صورت فوت محکوم علیه یا شمول مرور زمان و یا عفو عام ساقط می شود و مشمول تعلیق مجازات می شود و محکومیت آن سابقه جرمی به حساب می آید و می توان از شخص محکوم به جزای نقدی اعاده حیثیت کرد و در هنگام تعدد جرایم که برای غرض واحد ارتکاب یافته است و قابل تجزیه نباشد. (سیگانی، ۱۳۹۳، ۶۳) جزاهای نقدی در همدیگر ادغام می شود و تنها جزای نقدی جرم شدید یعنی جزای نقدی حداکثر بر مجرم تحمیل می شود، نه همه جزاهای نقدی. جزای نقدی مشروط بر وارد کردن ضرر بر مجنی علیه نیست. (ملک زاده، ۱۳۸۹، ۲۳۰) در حالی که معیار جبران خسارت مالی میزان ضرر وارد شده بر مجنی علیه است. جبران خسارت تابع ضرر است. در صورت وارد کردن ضرر، شخص محکوم به پرداخت آن می شود، هر چند نص صریح در قانون مدنی در آن مورد وجود نداشته باشد.

۲-۲. تفاوت در تعیین و عدم تعیین توسط قانونگذار

میزان جبران خسارت مدنی در قانون تعیین نمی‌گردد بلکه میزان آن را در صورت لزوم کارشناس براساس ضرر وارد، تعیین می‌کند، نه قانون. قانون مدنی در کل برای هر فعلی که موجب ضرر مالی شود، حکم به جبران خسارت می‌کند، بدون آنکه مصاديق آن فعل موجب ضرر را مشخص کند. البته احصا چنین افعالی ممکن نیست. (کامل، ۲۰۰۲، ۶۶۶) قانون مدنی حداقل و حداکثر مقدار جبران خسارت را مشخص نمی‌کند؛ زیرا تعیین آن متوقف بر ضرری است که تابع شرایط، اوضاع و احوالی خاص هر قضیه است که توسط کارشناس تعیین می‌شود. در حالی که میزان حداقل و حداکثر جزای نقدی توسط قانونگذار در متن قانون تعیین شده و قاضی با توجه به حجم و آثار جرم از میان حداقل و حداکثر میزان پرداخت آن را مشخص می‌سازد.

۳-۲. تفاوت در مسئول پرداخت

تفاوت دیگر این است که جزای نقدی تنها بر اشخاص دارای مسئولیت جزایی و شخص مجرم تطبیق می‌شود، نه خانواده یا اقارب او، در حالی که اگر اشخاص فاقد اهلیت به کسی ضرری وارد کند، ولی و سرپرست مسئولیت داشته و باید جبران خسارت نماید.

۳. تفاوت جزای نقدی با جرمیمة نقدی

جرائم نقدی به میزان مشخص شده پولی گفته می‌شود که از سوی نهادهای خاص، مشخص و متهم را به پرداخت آن محکوم می‌نماید، این اشخاص قواعد و مقررات پذیرفته شده آن صنف خاص را پذیرفته اند، و به نقض آن باید پردازنند. به طور مثال رانندگان حق ندارند که مقررات ترافیک را زیر پا نمایند در غیر آن محکوم به پرداخت جرمیمة نقدی خواهد شد. جزای نقدی با جرمیمه نقدی با اینکه هردو از جرائم مالی است ولی تفاوت‌های دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۳. تفاوت در مقام تعیین کننده

جزای نقدی را محکمه تعیین و مرتکب را به پرداخت آن محکوم می‌کند، در حالی که جرمیمه نقدی (تبیه مالی) را نهادهای خاص، مشخص و متهم را به پرداخت آن محکوم می‌نماید و این نهادها تنها حق صلاحیت رسیدگی به تخلفات آن گروه خاص را دارد. مانند آنکه سارندوی ترافیک، براساس قانون، تنها، صلاحیت جرمیمه نقدی نسبت به برخی از تخلفات کسانی را دارد که رانندگی کنند و تخلف او هم مربوط به امور رانندگی باشد. (علامه، ۱۳۹۶، ۸۷)

۳-۲. تفاوت در خاص و عام بودن

جرائم نقدی مربوط به رفتارهای می‌شود که مرتکب عضوی گروه خاصی باشد و سپس قواعد و مقررات پذیرفته شده آن گروه خاص را نقض کند. در این صورت در بعضی موارد به جای آنکه به این تخلف انصباطی، محکمه رسیدگی کند، نهادهای خاصی انتظامی به تخلف آن صنف رسیدگی می‌نماید. (الهام، ۱۳۸۷، ۲۳) مثلاً هنگامی که رانندگان مقررات اختصاصی قوانین ترافیک را که مربوط به امور رانندگی می‌شود، نقض کرد، در بعضی موارد بدون حکم محکمه با جریمه تنبیه مالی سارندوی ترافیک مواجه شود، اما جزای نقدی شامل هر مرتکبی می‌گردد که قوانین جزایی را نقض و در مقابل آن رفتار، قانونگذار جزای نقدی تعیین کرده باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۱۰۰)

۳-۳. تفاوت در هدف

جزای نقدی و جریمه نقدی از نظر هدف نیز با هم تفاوت دارند؛ هدف از جریمه نقدی حفظ حیثیت، نظم و انضباط صنف خاص است و در برخی موارد ممکن است در عوض جریمه نقدی، مرتکب نقض قانون از گروه اخراج شود یا در راستای صلاحیت‌های صنف، امکان دارد برای او محدودیت‌های ایجاد شود، اما هدف از جزای نقدی، همان اهداف عمومی مجازات‌هاست. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۳۱)

ب) قواعد کلی مربوط به جزای نقدی در کود جزا

جزای نقدی همانند هر جزا و عقوبت دگر از قدیم با انتقادات متعددی مواجه بوده و از جمله ایراداتی که مطرح می‌کنند، مغایرت جزای نقدی با اصل تساوی مجازات‌ها، اصل شخصی بودن مسولیت جزایی، اصل بازدارندگی، متزلزل بودن پول در اثر نوسانات ارزی و عدم حصول آن است؛ اما با وجود انتقادات و کاستی‌های که در مورد جزای نقدی ذکر گردیده، ولی دو عامل باعث شده است که امروزه قوانین جزایی کشورها از این رویکرد عدول کرده و قلمرو و موارد جزای نقدی را گسترش دهند. نخست: حبس‌های کوتاه مدت به جای آنکه جنبه مثبت داشته باشد، جنبه تخربی دارد، به دلیل آن که این نوع حبس‌ها فاقد برنامه‌های اصلاحی و تربیتی است و محکوم‌علیه به خاطر هم‌نشینی با مجرمان، تبدیل به مجرمان خطرناک خواهد شد. کشورها برای جلوگیری از این عارضه سوء، جزای نقدی یا جزاهی بدیل حبس را جایگزین حبس‌های کوتاه مدت کرده‌اند. پس مزیت جزای نقدی سیاست گذاران کیفری را امروزه به این سو سوق داده‌اند، که می‌توان جزای نقدی را به جای حبس‌های کوتاه مدت نیز قرار داد، زیرا این حبس‌ها نه تنها هدف مجازات را که همان اصلاح مجرمان

است، تأمین نمی‌کنند بلکه اقامت کوتاه آنان در زندان و اختلاط با مجرمان حرفه‌یی، سبب فساد بیشتر ایشان می‌گردد.

دوم: عامل دوم افزایش اهمیت مال در جوامع امروزی است؛ امروزه افراد برای مال اهمیت بسیاری قایل است و مال را در ثبت و جایگاه اجتماعی شان مهم تلقی می‌کند. (حسنی، بی‌تا، ۱۲۲) باید توجه داشت که در جوامع صنعتی و مادی که هر روز بر دامنه ای مادیات آن افزوده می‌شود، مال و سرمایه اهمیت زیادی دارد بنابرین در چنین جوامعی، می‌توان از مجازات مالی به عنوان یک مجازات مناسب استفاده کرد، از سوی دیگر مجازات مالی، مجازاتی انعطاف‌پذیر است که قابل تطبیق با جرایم می‌باشد و قاضی می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال حاکم، میزان مناسی را تعیین کند و حتی می‌توان از آن عدول کرد و خطاهای قضایی را جبران نمود. (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ۲۹۳)

در راستای همین سیاست جنایی کود جزای افغانستان نیز، از سیاست جزایی حبس محوری قانون جزای سابق، دست برداشته و برای بعضی از انواع جرایم، بیشتر جزای نقدی را پیش‌بینی کرده است. مانند تمویل تروریسم، جعل پول، تزویر اسناد، ارتشا، اختلاس، سرقت و... پیش‌بینی شده است. در این بخش قواعد کلی مربوط به جزای نقدی از قبیل نوعیت جزای نقدی، قلمرو، شرایط اجرا، تعلیق و انواع آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی

کود جزای افغانستان، جزاها را از زاویه‌های مختلف، به انواع متعددی تقسیم کرده است. یکی از طبقه‌بندی‌های مجازات به اعتبار ارتباط آن‌ها با یکدیگر است، قانون‌گذار، به صراحت جزاها را از جهت ارتباط و نسبت که با یکدیگر دارند، بر سه نوع جزای اصلی، تبعی و تکمیلی تقسیم نموده است. در ماده ۱۳۶، در این باره می‌خوانیم: «جزا، شامل جزاهای اصلی، تبعی و تکمیلی می‌باشد.» در ماده ۱۳۸ مقرر کرده است که: «جزاهای اصلی دارای انواع ذیل می‌باشد: ۱. جزای نقدی؛ ۲. حبس. ۳. اعدام». بنابراین، جزای نقدی از جمله جزاهای مالی است. مجازات‌های مالی به انواع گوناگونی چون جزای نقدی، جبران خسارت؛ مصادره و ضبط اموال تقسیم می‌شود. از میان آن‌ها براساس ماده (۱۳۹) کود جزا، تنها جزای نقدی را از جمله مجازات‌های اصلی به شمار می‌رود، یعنی مجازات که به طور مستقل و به تنهایی در برابر رفتار مجرمانه از سوی قاضی تعیین می‌گردد.

نظر قاضی در هنگام صدور حکم، معطوف به مجرم است، شخصیت و اوضاع و احوال و شرایط ارتکاب جرم، مسئولیت و درجه تقصیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و متناسب آن محکوم به پرداخت جزای نقدی می‌شود.

۲. گستره جزای نقدی

جزای نقدی مخصوص جرایم خفیف و سبک از نوع جنحه و قباحت است. قاضی نمی‌تواند برای جنایت، این مجازات را پیش‌بینی کند، مگر آنکه در کود جزا برخلاف آن تصریح شده باشد: «تعیین جزای نقدی در جرم جنایت جواز ندارد، مگر این که این قانون صراحتاً به آن حکم نموده باشد.» (کد جزا، ماده ۱۴۳) در ماده ۱۱۰، قانون جزای سال ۱۳۵۵ نیز این حکم پیش‌بینی شده بود: «تعیین جزای نقدی در جنایت جواز ندارد، مگر این که قانون صراحتاً به آن حکم نموده باشد.» قانونگذار در این ماده، قلمرو استفاده از جزای نقدی را از سوی قاضی بیان کرده است که برای پیشگیری و کاهش چه نوع جرایمی از آن باید، استفاده کند. براساس این ماده، قلمرو جزای نقدی جرایمی است که از نوع خفیف، یعنی جنحه یا قباحت باشد و تعیین آن را برای جرایم شدید، یعنی جرایم جنایی، ممنوع است، مگر در مواردی که قانونگذار در کد جزا، به صراحت برای این گونه جرایم، به جای دیگر مجازات‌ها، جزای نقدی پیش‌بینی کرده باشد. دلیل این حکم آن است که جزای نقدی، مجازات خفیفی است و تناسب با جرایم شدید ندارد. برای ارتکاب جرایم شدید قانونگذار جزای نقدی همراه با حبس یا جسوس تنها یا اعدام پیش‌بینی کرده است.

براساس استشنا در این ماده ممکن است قانونگذار برای جرم از نوع جنایت نیز جزای نقدی پیش‌بینی کرده باشد، ولی این استشنا با ماده ۳۱ کد جزا درباره تعریف جنایت سازگاری ندارد. در آن ماده آمده است: «جنایت، جرمی است که جزای آن در این قانون حبس طویل، حبس دوام درجه ۲، حبس دوام درجه ۱ و یا اعدام تعیین شده باشد.» هم‌چنین طفل نیز از محکومیت به جزای نقدی استشنا شده است: «ماده ۹۹: طفل به جزای اعدام، حبس و یا جزای نقدی محکوم نمی‌شود.» البته نماینده قانونی طفل از محکومیت به جزای نقدی مستثنی نیست: «نماینده قانونی طفل را در صورت ارتکاب جنحه به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی و در صورت ارتکاب جنایت، به جزای نقدی از ده هزار تا بیست هزار افغانی، محکوم می‌نماید.» (کد جزا (۱۳۹۶) جز ۲ ماده ۱۰۹)

مورد دیگری که باید از جزای نقدی برای مبارزه با جرم استفاده کرد، جای است که جرم ارتکابی مجرم از نوع خفیف مثلاً جنحه است، ولی شخصیت خطرناک مرتكب آن ثابت شده

است و او نیازمند برنامه‌های اصلاحی و تربیتی باشد. بهتر بود قانونگذار، تعیین جزای نقدی را از سوی قاضی برای این‌گونه مجرمان، نیز منع می‌کرد. همچنین قانونگذار در ماده ۱۴۴ نحوه پرداخت و شیوه وصول جزای نقدی را بیان کرده است که براساس قانون اجرآت جزایی انجام می‌شود. قانون اجرآت جزایی نیز در ماده ۳۴۳ حکم می‌کند: «تفییز احکام قطعی محاکم مبنی بر اعاده مال، جزای نقدی، پرداخت مصارف و جبران خساره به دستور سارنوالی، مطابق احکام قانون اصول محاکمات مدنی و سایر اسناد تقنی مربوط صورت می‌گیرد. مبالغ قابل تأديه به دولت مطابق قواعد اداری تحصیل مالیات و دیون دولتی صورت می‌گیرد.»

۳. نوعیت جزای نقدی و حداقل آن

نوعیت جزای نقدی و حداقل آن در ماده ۱۴۰ بیان شده است: «(۱) جزای نقدی به پول افغانی تعیین می‌شود. (۲) جزای نقدی که به حکم محکمه تعیین می‌شود، از پنج هزار (۵۰۰۰) افغانی کمتر نمی‌باشد. (۳) اندازه جزاهای نقدی مندرج این قانون با نظر داشت نوسانات ارزش پول، بعد از هر پنج سال تجدید می‌گردد.»

در این ماده قانون‌گذار نوع پولی را که جزای نقدی باید با آن پرداخت شود و نیز نهادی که باید میزان آن را تعیین کند، مشخص نموده و هم‌چنین، میزان حداقل جزای نقدی و مدت تجدید نظر در مقدار آن را به علت کاهش ارزش پول، تعیین کرده است. دلیل این حکم قانون‌گذار آن است که پرداخت جزای نقدی با پول واحد پولی کشور دیگر، ضررهای اقتصادی بسیاری به دنبال دارد. هم‌چنین تعلیق جزای نقدی در قانون پیش‌بینی شده است: ماده ۲۲۲: (۱) هرگاه شخص به اثر ارتکاب جرم قباحت یا جنحه به جزای نقدی تا شصت هزار افغانی، محکوم گردیده باشد، محکمه می‌تواند جزای نقدی وی را تا پنج سال تعلیق نماید. (۲) هرگاه شخص مندرج فقره (۱) این ماده، به صورت داوطلبانه جزای نقدی را در ميعاد معینه تأديه نماید، سابقه جرمی وی زایل می‌گردد.

۴. تعریف جزای نقدی، شرایط تحقیق و انواع آن

قانونگذار برای این که هیچ‌گونه ابهامی در مورد جزای نقدی باقی نماند و زمینه‌های تطبیق آن فراهم گردد، در ضمن مواد قانونی؛ جزای نقدی را تعریف و به انواع آن اشاره نموده است. ماده ۱۳۹: «جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم بهما به خزانه دولت.»

مطابق ماده فوق جزای نقدی بدان معناست که محکوم علیه با حکم دادگاه ملزم به پرداخت وجه نقد به صندوق دولت گردد. هم چنین در مواد متعدد از کد جزا از جمله ۲۴۶ و ۳۷۲ به جزای نقدی دارای حداقل و اکثر و فاقد حداقل و اکثر اشاره نموده است. چگونگی تطبیق جزای نقدی منفرد یا تضامنی را نیز پیش بینی نموده است: «ماده ۶۸: (۱) هرگاه چند نفر فاعل و شریک از لحاظ ارتکاب جرم واحد، به حکم واحد به جزای نقدی محکوم شوند، این حکم بر هر کدام آن‌ها منفرداً تطبیق می‌شود. (۲) هرگاه حکم به جزای نقدی معادل مفاد مالی باشد که از رهگذر ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده می‌شد، حکم بالای محکومینی که به حکم واحد به جزای نقدی محکوم شده‌اند، به طور تضامنی تطبیق می‌گردد، مگر این که قانون طور دیگری تصریح نموده باشد.»

اصل شخصی بودن مجازات چنین اقتضاء می‌کند که آن‌ها بطور منفرد و مستقل مجازات شوند، نه به صورت تضامنی؛ یعنی چنانچه جزای نقدی تعیین شده در قانون بین حداقل یکصد هزار و حداقل سیصد هزار باشد و سه نفر در آن جرم شرکت نمایند، با توجه به صلاحیت قاضی در تعیین حداقل و حداقل، ممکن است نفر اول یکصد و پنجاه هزار و نفر دوم دوصد هزار و نفر سوم سیصد هزار محکوم به جزای نقدی گرددند. اما این‌که اگر مجازات حبس بود، لازم می‌بود که فرد فرد آن‌ها زندانی شوند و در صورت قرار هر یک، شرکاء دیگر را بجای شخص فراری زندانی نمی‌کنند. اما همیشه این‌گونه نیست، در قوانین جزایی به مواردی بر می‌خوریم که کلیه شرکاء در جرم متضامناً مسؤول پرداخت جزای نقدی می‌باشند. هنگامی که یک جرم توسط چند نفر صورت می‌گیرد و وصول جزای نقدی از یک نفر از آن‌ها کافی تشخیص داده می‌شود و تکلیف دیگران نسبت به پرداخت ساقط می‌گردد، مسؤولیت تضامنی جزای نقدی حاصل شده است.

در ماده ۱۴۱ شرایط جزای نقدی بیان شده و قانونگذار محکمه را ملزم نموده است که در هنگام تعیین جزای نقدی شرایط ذیل را در نظر گیرد: تأمین اهداف جزا، احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتكب، اندازه مفادی که از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن باشد و نوعیت حق یا مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است.

هم چنین افزایش جزای نقدی برای جلوگیری از کم ارزش شدن آن در ماده ۱۴۲، پیش بینی شده است: محکمه می‌تواند به اساس تشخیص خود یا مطالبه سارنوال، حداقل جزای نقدی پیش‌بینی شده را با رعایت شرایط و احوال مندرج ماده ۱۴۱ این قانون تا دوچند بالا ببرد، مشروط براین‌که بالا بردن حداقل جزای نقدی به از بین بردن تمام دارایی محکوم علیه منجر نشود.

۵. راهکارهای رفع معايب جزای نقدی در کودجا

جزای نقدی برغم امتیازات و فواید که دارد با کاستی‌ها و موانعی هم روبرو است. کاستی‌ها و معايب جزای نقدی عبارتند از مغایرت آن با اصول حاکم بر جرایم و معجازات‌ها مانند اصل تساوی و اصل شخصی بودن مسؤولیت جزایی و همچنین انتقادات دیگری که بر جزای نقدی وارد است از قبیل عدم بازدارندگی جزای نقدی، عدم قطعیت تطبیق معجازات نقدی و کم ارزش شدن میزان جزای نقدی به دلیل نوسانات ارزی و پولی کشورها. دولت‌ها با کمک از اندیشمندان علم حقوق برای از بین بردن معايب جزای نقدی یا حداقل ایجاد محدودیت کاستی‌ها و موانع جزای نقدی؛ راهکارها و تدابیری را در قوانین موضوعه پیش‌بینی نموده است تا سرانجام زمینه برای تطبیق جزای نقدی هموار و فراهم گردد و نواقص جزای نقدی ازاله یا به حداقل برسد. قانون‌گذار افغانستان نیز در کد جزا تدابیری برای رفع معايب جزای نقدی پیش‌بینی نموده و همچنین کیفیت وصول جزای نقدی را در نظر گرفته است. البته نباید توقع داشت که جزای نقدی فارغ از تمام عیوب و کاستی‌ها باشد؛ چرا که هنوز فکر بشر موفق به ارائه معجازاتی نشده است که کلیه محسنین در آن جمع و خالی از هر عیب و نقصی باشد. لذا تمام معجازات‌ها دارای محسن و معايب هستند؛ اما هر جزا دارای محسن و معايب مختص به خود می‌باشد. جزای نقدی نیز بدین گونه است. در نهایت با توجه به این محسن و چاره‌جوئی رفع معايب آن به عنوان شیوه‌های اصلاحی جزای نقدی جهت وصول به اهداف آن است. در این بخش ابتدا به تدبیر و روش‌های رفع نقصان جزای نقدی با محوریت کد جزا پرداخته می‌شود و سپس روش‌های قانونی تحصیل جزای نقدی را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۱-۵. روش‌های رفع معايب جزای نقدی

قانون‌گذار افغانستان در مواد متعددی از کد جزا تلاش نموده است که با تدبیر و وضع مقررات خاص معايب جزای نقدی را رفع نموده و بستر اجرایی شدن معجازات نقدی را فراهم نماید. طبیعی است که امکان ندارد تمامی معايب و کاستی‌های جزای نقدی از بین برود و چنین ادعایی در مورد تمامی معجازات نادرست است. به دلیل این که دنیا محل تراحم و تنازع است و اجرای معجازات؛ گرچند بادقت هم صورت گیرد خالی از نقص و عیب نیست و همانند دواها می‌ماند اگر جای را ترمیم بکند، عوارض هم به دنبال دارد ولی تلاش‌ها در جهت رفع معايب و تقویت مزیت‌ها نباید متوقف شود. راهکارهای رفع معايب جزای نقدی با استفاده از کد جزا مورد ارزیابی قرار می‌گيرد.

۱-۵. رعایت اصل شخصی بودن مسولیت کیفری

یکی از انعقادات جدی که بر جزای نقدی وارد کرده‌اند عدم رعایت اصل شخصی بودن مسولیت جزایی است. به دلیل این که در محکومیت جزای نقدی افراد خانواده، شرکا و اقارب محکوم‌علیه آسیب می‌بینند که هیچ نقشی در ارتکاب جرم نداشتند. قانونگذار تلاش کرده است که چیدمان و کیفیت تعیین جزای نقدی به گونه باشد که تا حد امکان جلو این آسیب گرفته شود، از باب مثال در صورتی که مجازات تعدد جرم، جزای نقدی و تدبیر تأمینی تعیین گردیده شده باشد، در این صورت جزای نقدی و تدبیر تأمینی بدون محدودیت بر مرتكب تطبیق می‌گردد. البته در جزای نقدی این موضوع مشروط به از بین نرفتن کل دارایی محکوم‌علیه می‌باشد: «ماده ۷۸: جزای نقدی با رعایت حکم مندرج ماده ۱۴۲ این قانون و تدبیر تأمینی به هر اندازه‌ای که متعدد گردد، بالای محکوم‌علیه تطبیق می‌گردد. در ماده ۱۴۲ چنین مقرر شده است: «محکمه می‌تواند به اساس تشخیص خود یا مطالبه سارنوال، حداقل جزای نقدی پیش‌بینی شده را با رعایت شرایط و احوال مندرج ماده ۱۴۱ این قانون تا دوچند بالا ببرد، مشروط براین که بالا بردن حد اکثر جزای نقدی به از بین بردن کلی دارایی محکوم‌علیه منجر نشود.» دلیل این شرط رعایت اصل شخصی بودن مجازات است. در صورتی که جزای نقدی، موجب شود که محکوم‌علیه همه ثروت خویش را از دست دهد، ظالمانه و غیرانسانی است و او را از زندگی اقتصادی ساقط و سبب مجازات همه افراد خانواده و واجب التفقة او و نیز دایین او می‌شود. اما اگر شخصی مرتكب جرایم متعددی شود که در قانون برای همه آن جرایم، تدبیر تأمینی، پیش‌بینی شده است، همه آن تدبیر بدون قید و شرط، بر مرتكب تطبیق می‌شود. تطبیق همه تدبیر تأمینی جرایم متعدد ارتکابی مشروط به شرط خاصی نیست. همچنین قابل ذکر است که در صورتی که جزای نقدی و تدبیر امنیتی برای مرتكب در نظر گرفته شده باشد، در این صورت نیز هر دو مجازات بر مرتكب بدون محدودیت قابل تطبیق می‌باشد. ماده ۴۴۴ قانون اجرآت جزایی به ترتیب زیر بر یکدیگر اولویت دارد: «هرگاه حکم به جزای نقدی، پرداخت مصارف، آن‌چه اعاده اش لازم است و جبران خسarde یک جا صادر شده باشد و اموال محکوم‌علیه برای ایفای تمامی آن کافی نباشد، نخست آن‌چه اعاده اش لازم است، تأديه گردیده، از متباقی وجوده بالترتیب مصارف و جبران خسarde و اخيراً جزای نقدی پرداخت می‌شود.» پرداخت امور لازم-الاعاده، مانند پرداخت نفقة و دیون که دیگران بر ذمہ او دارند. پرداخت مصارف مانند آن که امین برای نگهداری اموال امانی، پولی را مصرف کرده است.

بنابراین، قانونگذار نهایت تلاش خود را در عرصه قانونگذاری انجام داده است تا از ضرر وزیان ناشی از جزای نقدی بر خانواده و شرکای محکوم‌علیه جلوگیری نماید. اما به یاد داشته

باشیم که سرایت مجازات به خانواده محکوم ویژه محکومیت به جزای نقدی نیست. اصولاً، اصل شخصی بودن مجازات‌ها بیشتر نظری است تا عملی، زیرا آثار محکومیت به طور قهقهی به خانواده محکوم سرایت می‌کند. خواه محکومیت به جزای نقدی باشد یا سایر مجازات‌ها نظیر حبس. فردی که به حبس محکوم شده است در آن مدت نه فقط توانایی تأمین معاش خانواده خود را نخواهد داشت، بلکه از نظر روحی هم، خانواده و خویشاوندان مجرم رنج می‌برند. از سوی دیگر هر چند بر اساس اصل شخصی بودن مسؤولیت جزایی؛ هرکس در قبال اعمال خود مسؤولیت دارد و نمی‌توان او را به خاطر اعمال و کردار دیگران موافذه نمود، اما در عین حال این قاعده هم در حقوق وضعی و هم در متون دینی در مواردی تخصیص می‌خورد. مانند مسؤولیت جزایی سردبیر روزنامه به خاطر مقالاتی که دیگران نوشته ولی در روزنامه چاپ شده است یا مسؤولیت کارفرما در برابر کارگر یا مدیر عامل یک شرکت در قبال رفتارهای کارمندان شرکت. (عوده، ۱۴۰۵، ۳۹۶) در متون دینی نیز مواردی وجود دارد که به ظاهر با اصل شخصی بودن مسؤولیت جزایی مخالفت دارد، مانند وجوب دیه بر عاقله در این قضیه مصدق بارز آن است که کسی گناه می‌کند و دیگری بارگناه او را به دوش می‌کشد، یا این که جبران خسارت ناشی از خطای قاضی در صدور حکم بر عهده دولت قرار گرفته است و باید از بیت‌المال تأديه گردد.

۱-۵. تجدید نظر در مقدار جزای نقدی

یکی از اشکالات جزای نقدی این است که میزان جزای نقدی با توجه به نوسانات ارز امکان دارد کاهش پیدا نموده و مبلغی را که قانونگذار به عنوان جزای نقدی تعیین کرده بسیار ناچیز و کم ارزش شود و نتواند که جنبه بازدارندگی داشته باشد. قانونگذار برای رفع این عیب وکاستی تدبیری را در نظر گرفته و آن تجدیدنظر در میزان تعیین جزای نقدی بعد از هر پنج سال است در این مورد چنین مقرر نموده است: «(۱) جزای نقدی به پول افغانی تعیین می‌شود.

(۲) جزای نقدی که به حکم محکمه تعیین می‌شود، از پنج هزار (۵۰۰۰) افغانی کمترنمی باشد.

(۳) اندازه جزاهای نقدی مندرج این قانون با نظر داشت نوسانات ارزش پول، بعد از هر پنج سال تجدید می‌گردد.»

براساس فقره (۱) این ماده جزای نقدی به پول افغانی تعیین می‌شود. دلیل این حکم قانونگذار آن است که پرداخت جزای نقدی با واحد پولی کشور دیگر، ضررهای اقتصادی

بسیاری به دنبال دارد. چون این امر نوع تشویق مردم به استفاده از ارزهای خارجی است که آن‌هم از سوی نهادهای رسمی کشور انجام می‌گردد. تحریک و هجوم مردم به استفاده از ارزهای خارجی در معاملات، موجب می‌شود که ارزهای کشورهای خارجی در بازار با کمبود مواجه شود و قیمت آنها افزایش و برعکس ارزش واحد پولی کشور در بازارهای پولی تنزل یابد. افزون براین، استفاده از پول‌های خارجی در کشور سبب حاکمیت پولی و مالی آنان، بر نظام پولی و اقتصادی کشور می‌شود. در فقره (۲) این ماده، قانونگذار حکم کرده است که جزای نقدی تنها به حکم محکمه تعیین می‌شود. مبنای حقوقی این حکم قانونگذار آن است که جزای نقدی، نوع مجازات است. محکوم کردن متهمان به مجازات و تطبیق آن بر آنها، نوع اعمال سلطه و حاکمیت از سوی دولت است که این عمل از طریق نهادی رسمی حکومتی انجام می‌شود و هیچ شخصی و نهادی دیگری غیر از حکومت حق ندارد دست به اعمال حاکمیتی بزند. در فقره (۳) این ماده راه حلی برای نوسانات و کم ارزش شدن واحد پول ملی و تبدیل شدن جزای نقدی به مبلغ ناچیز بیان شده است. براساس این راه حل باید قانونگذار هر پنج سال یکبار، در میزان جزای نقدی مندرج در کد جزا با توجه به نوسانات ارزش پول کشور تجدید نظر کند، تا به خاطر کم ارزش شدن واحد پولی کشور جنبه جزایی و رنج‌آوری، خود را از دست ندهد.

۱-۳-۵. افزایش جزای نقدی با توجه به وضعیت محکوم عليه

از ایرادهای جزای نقدی این است که در تطبیق جزای نقدی اصل تساوی رعایت نمی‌گردد. زیرا جزای نقدی بر فقیر و سرمایه دار تاثیر یکسان و مساوی وارد نمی‌کند. جزای نقدی با توجه به وضعیت اقتصادی فرد ثروتمند و متمكن مالی جنبه بازدارندگی نداشته و مراتب وتلخی برای او به بار نمی‌آورد و چه بسا شخص سرمایه دار از این نوع محکومیت به ریش قاضی بخندد اما محکومیت مالی برای آدم فقیر و بی‌بضاعت رنج‌آور و زجر دهنده است و چه بسا از شدت حبس نیز بیشتر باشد. قانونگذار برای این که اصل تساوی در محکومیت به جزای نقدی رعایت گردد؛ قاضی را مکلف نموده است که در تعیین جزای نقدی اوضاع و احوال مرتكب را در نظر گیرد و در موارد که مرتكب جرم دارای مکنت مالی زیاد است و از سوی دیگر جرم سنگین را مرتكب شده است جزای نقدی را تا دو برابر افزایش دهد. ماده ۱۴۱ کدجا در این مورد مقرر نموده است: «محکمه در تعیین جزای نقدی پیش‌بینی شده در این قانون بین حداقل و حداکثر، شرایط و احوال آتی را رعایت می‌نماید:

۱- تامین هدف جزائی - احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتكب. ۲- اندازه مفادی که از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده می‌شد. ۳- نوعیت حق یا

مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است». در ماده ذکر شده، قانونگذار محکمه را ملزم کرده است که در هنگام محکوم کردن متهم به میزان خاصی از جزای نقدی براساس قانون، هدف مجازات، احوال شخصی، اجتماعی، اقتصادی، میزان نفع مرتکب و نوع حق مصلحت مورد تجاوز را در نظر گیرد. قانونگذار با ملزم کردن قاضی به رعایت این شرایط در واقع، راه حل دیگری را برای کاهش عیوب جزای نقدی بیان کرده است.

براساس این ماده قاضی محکمه در هنگام محکوم کردن متهم به حداقل یا حداقلتر یا جزای نقدی پیش‌بینی شده در این قانون، باید امور زیر را در نظر گیرد.

یک- اهداف جزاه؛ مثلا در هنگام محکوم کردن متهم بررسی کند که با محکوم کردن او به چه میزانی از جزای نقدی، عدالت اجرا و ارتکاب مجدد جرم پیشگیری می‌شود، آن وقت او را به همان مقدار، براساس قانون، محکوم کند.

دو- تناسب میان جرم و جزا؛ قانونگذار برای رعایت تناسب، محکمه را ملزم کرده است که در زمان محکوم کردن متهم به میزان خاصی از جزای نقدی، باید دو چیز را در نظر گیرد یکی میزان فایده‌ای که متهم از طریق ارتکاب جرم بدست آورده است یا انتظار داشت که تحصیل کند و دیگری نوع حق و مصلحتی را که مورد تجاوز قرار داده است. طبیعی است اگر میزان فایده مورد نظر بیشتر یا حق و مصلحت مورد تجاوز اهمیت داشته باشد مانند آن که اموال عامه را اختلاس کرده باشد، متهم، مستحق حداقل جزای نقدی است، و گر نه باید به جزای نقدی حداقل محکوم شود.

سه- احوال شخصی اجتماعی و اقتصادی متهم؛ احوال شخصی مانند آن که سابقه جرمی داشته باشد، متهم فرد مورد اعتماد مجنبی علیه باشد و جرایم مالی را علیه او مرتکب شود. احوال اجتماعی مثل آنکه متهم در جامعه شخص ذی‌نفوذ و دارای پایگاه اجتماعی باشد و مرتکب جرم شود. احوال اقتصادی مانند آنکه متهم ثروتمند یا فقیر یا از جمله اشاره متوسط جامعه باشد. محکمه باید با توجه به این حالات، متهم را به حداقل جزای نقدی محکوم کند.

قانون اجراءات جزایی سال ۱۳۹۳ در فقره (۱) ماده ۳۴۷ راه حل‌های دیگری نیز برای کاهش عیوب جزای نقدی برای محکوم‌علیه فقیر، مهلت دادن و قسط‌بندی در پرداخت جزای نقدی پیش‌بینی کرده است: «محکمه صادرکننده حکم در احوال استثنایی می‌تواند به اساس مطالبه محکوم‌علیه و موافقه سارنوال برای پرداخت مبالغی که محکوم‌علیه مکلف به تأدیه آن به دولت می‌باشد، مهلت اقساط تعیین نماید». در برخی از کشورها در صورت که

محکوم علیه معسر باشد یا حاضر نشود که هیچگاه جزای نقدی را پرداخت کند، جزای نقدی، تبدیل به خدمات عامه می‌شود.

راه حل دیگری که قانونگذار برای رفع عیب عدم تساوی تاثیری جزای نقدی در نظر گرفته است، افزایش جزای نقدی است و لذا در ماده ۱۴۲ کد جزا این گونه پیش‌بینی کرده است: «محکمه می‌تواند به اساس تشخیص خود یا مطالبه سارنوال، حداقل جزای نقدی پیش‌بینی شده را با رعایت شرایط واحوال مندرج ماده ۱۴۱ این قانون تا دوچند بالا ببرد، مشروط براین که بالا بردن حد اکثر جزای نقدی به ازین بردن کلی دارایی محکوم علیه منجر نشود.

در این ماده قانونگذار، برای کاهش عیوب جزای نقدی، افزایش جزای نقدی را تا دو برابر تحت شرایط خاصی پیش‌بینی کرده است. این ماده دقیقاً از ماده ۱۰۹ قانون جزای سال ۱۳۵۵ گرفته شده است.

برای آن‌که جزای نقدی برای اشخاص ثروتمند نیز جنبه جزایی و بازدارندگی داشته باشد یا مناسب با جرم ارتکابی بشود و نقص جزای نقدی نیز تا حدودی مرتفع شود، ماده (۱۴۲) کد جزا، این اختیار را برای قاضی محکمه داده است که میزان حداقل جزای نقدی را به اساس تشخیص خود یا مطالبه سارنوال تا دو برابر افزایش دهد براساس این ماده محکمه براساس شرایط زیر می‌تواند متهم را به میزان دو برابر حداقل جزای نقدی پیش‌بینی شده در کد جزا، محکوم کند:

۱. محکمه تشخیص دهد که محکومیت متهم تا میزان دو برابر حداقل جزای نقدی ضروری است یا سارنوال محکومیت او را به چنین جزای مطالبه کند؛
۲. شرایط و احوال مندرج ماده ۱۴۱ کد جزا؛ که در آن ماده، شرح داده شد رعایت شود؛
۳. محکومیت متهم به این میزان جزای نقدی موجب نشود که او تمام دارایی خود را به عنوان جزای نقدی به دولت پرداخت کند.

از بررسی مجموع مواد مربوط به کد جزا در باره جزای نقدی راه حل دیگری نیز برای کاهش عیوب این نوع مجازات می‌توان استنبط کرد و آن این که قانونگذار برای بعضی از جرایم جزای حبس یا جزای نقدی و برای بعضی دیگر هر دو جزا را پیش‌بینی کرده است. اگر قاضی در دسته اول از جرایم تشخیص دهد که جزای نقدی برای محکوم علیه جنبه جزایی ندارد، می‌تواند او را در عوض جزای نقدی، به حبس محکوم نماید و در دسته دوم او را به هر دو جزا محکوم نماید. در کد جزا از این راه حل بیشتر استفاده شده است.

۴-۲. روش پرداخت جزای نقدی

از جمله ایرادهای بر جزای نقدی، عدم قطعیت و حصول آن است. دلیل عدم حصول و تطبیق جزای نقدی می‌تواند معلول عوامل متعدد باشد مانند معسر و تنگdest بودن محکوم علیه یا اختفا و پنهان ساختن دارایی خود، قانونگذار برای رفع این نقصان و یا کاهش آن تدبیری را ذکر نموده است مانند قسط بندی جزای نقدی، اخذ جبری جزای نقدی از طریق حسابهای بانکی و در نهایت محکومیت به حبس در صورت عدم پرداخت جزای نقدی. به هر صورت تضمین اجراهای لازم را برای اجرایی شدن جزای نقدی پیش بینی شده است که اگر بالاتر از میزان اجرای سایر مجازات نباشد، کمتر هم نیست. تدبیر حصول جزای نقدی و روش‌های اجرایی شدن آن در یک بخش مستقل با عنوان روش‌های حصول جزای نقدی مورد بحث قرار می‌گیرد. کیفیت و چگونگی حصول جزای نقدی هم در حقوق جزای افغانستان بحث می‌شود و هم در نظام حقوق سایر کشورها که قانونگذار افغانستان از سایر روش‌های مفید حصول جزای نقدی که در کشورهای پیشرفته به کار گرفته می‌شود غافل مانده است.

۴-۲-۱. روش‌های حصول جزای نقدی

یکی از چالش‌های اصلی جزای نقدی عدم پرداخت آن از سوی محکومان به این مجازات است؛ چون ممکن است محکوم علیه مال نداشته باشد یا اموال خود را مخفی کند و تحت هیچ شرایطی حاضر به پرداخت آن نشود و از سوی دیگر جزای نقدی، یک نوع مجازات است، نمی‌توان از تطبیق آن چشم پوشی کرد و به محکوم علیه اجازه داد که از اجرای قول‌نی امره و حاکمیتی دولت خودداری کند. جزاهای دیگر مثل اعدام و حبس، به اندازه جزای نقدی با این چالش مواجه نیست؛ چون شخص محکوم علیه معمولاً در اختیار حکومت است. هر وقت بخواهد می‌تواند جزای اعدام و حبس را بر او تطبیق کند. ولی اموال او در تحت تسلط دولت نیست؛ ممکن است مال نداشته یا توانایی پرداخت آن را به صورت یکجا نداشته باشد و یا اموال خود را مخفی کند. قانونگذار برای رفع این عیب یا حداقل کاهش دادن آن، روش‌ها و تدبیری را در کد جزا بیان کرده است و از آن جای که چگونگی وصول و حصول جزای نقدی یک روش و راهکار است طبعاً مشمول مقررات اصول محاکمات جزای و شیوه اجرات جزای می‌شود. از همین رو قانونگذار، روش پرداخت جزای نقدی را واگذار به مقررات اجرات جزای نموده و در ماده ۱۴۴ از کد جزا این گونه مقرر می‌دارد: «پرداخت جزای نقدی مطابق به احکام قانون اجرات جزای صورت می‌گیرد». همانطوری که ملاحظه می‌کنید در این ماده قانونگذار نحوه پرداخت و شیوه وصول جزای نقدی را بیان کرده است که براساس قانون اجرآت جزایی انجام می‌شود. البته لازم به یاد آوری است که این شیوه جدیدی نیست بلکه

سابقه قانونگذاری دارد و در ماده ۱۱۱ قانون جزای سال ۱۳۵۵، نحوه پرداخت جزای نقدی منوط به قانون اجرآت پیش‌بینی شده بود: «پرداخت جزای نقدی مطابق به احکام قانون اجرآت جزائی صورت می‌گیرد» این ماده کد جزا هیچ تفاوتی با آن ندارد.

قانون اجرآت، تنها به نحوه پرداخت جزای نقدی در صورت که محکوم علیه، مالی نداشته باشد، اکتفا نکرده است، بلکه سایر جنبه‌ها و نحوه احکام پرداخت جزای نقدی را نیز در ماده ۴۴۷ و ۴۴۳، بیان کرده است که در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۱-۲-۴. پرداخت جزای نقدی براساس استناد تقنيي

تنفيذ اجرای جزای نقدی براساس احکام قانون اصول محاکمات جزایی و سایر استناد تقنيي؛ قانون اجرآت جزایی در ماده ۳۴۳ حکم می‌کند: «تنفيذ احکام قطعی محاکم مبني بر اعاده مال، جزای نقدی، پرداخت مصارف و جبران خساره به دستور سارنوالي، مطابق احکام قانون اصول محاکمات مدنی و سایر استناد تقنيي مربوط صورت می‌گيرد. مبالغ قابل تأديه به دولت مطابق قواعد اداري تحصيل ماليات و ديون دولتي صورت می‌گيرد».

در قانون اصول محاکمات مدنی با صراحة در مورد احکام قطعی محاکم مبني بر اعاده مال، جزای نقدی، پرداخت مصارف و جبران خساره ماده‌اي وجود ندارد. اما در مواد ۲۸ و ۳۱ قانون طرز تحصيل حقوق، سه طریق مهلت دادن، قسط بندی کردن و اخذ جبری در خصوص وصول دین از اموال و حقوق محکوم علیه پیش‌بینی شده است. دوشیوه مهلت دادن و قسط بندی کردن جزای نقدی، به صراحة در قانون اجرآت جزایي بیان شده است لذا نيازي نیست که در باره آن به قانون طرز تحصيل حقوق استناد شود و تنها به شیوه سوم که عبارت از اخذ جبری جزای نقدی است به اين قانون استناد می‌شود.

۱-۲-۴-۲. مهلت دادن يا قسط بندی کردن جزای نقدی

در صورت که محکوم علیه تواند فوراً یا يكجا، جزای نقدی را پرداخت کند، به حکم ماده ۳۴۷ قانون اجرآت جزایي در صورت مطالبه محکوم علیه و موافقت سارنوال می‌توان به او مهلت داد يا جزای نقدی او را قسط بندی کرد: «محکمه صادرکننده حکم در احوال استثنائي می‌تواند به اساس مطالبه محکوم علیه و موافقة سارنوال برای پرداخت مبالغی که محکوم علیه مکلف به تأديه آن به دولت می‌باشد، مهلت يا اقساط تعیین نماید». براساس فقره (۲) اين ماده، اگر محکمه با صدور قرار، درخواست محکوم علیه را مبني بر مهلت دادن يا تقسيط کردن جزای نقدی، رد کند، اين قرار قابل اعتراض نیست: «صدور قرار مبني بر قبول يا رد مطالبه مندرج فقره (۱) اين ماده، قابل اعتراض نیست.»

در صورت که محاکوم[ُ] علیه بدون عذر موجّه از پرداخت اقساط خودداری کند حکم آن را فقره (۳) این ماده بیان کرده است: «هرگاه محاکوم[ُ] علیه در تحويل دو قسط یا بیشتر از آن بدون عذر موجّه تأخیر نماید، محاکمه، می‌تواند به درخواست سارنوال به الغای اقساط و تعجیل تنفيذ حکم، قرار صادر نماید.»

البته برخی از حقوق دانان با قسط بندی جزای نقدی مخالف اند؛ زیرا، جزای نقدی مانند شلاق و زندان نوعی مجازات است و حفظ نظم اجتماعی اجرای فوری مجازات را ایجاب می‌کند، تا جنبه بازدارندگی آن خدشه دار نشود از این رو اگر جزای نقدی را قابل تقسیط بدانیم در موارد این مجازات اعمال نخواهد شد و اگر هم اجرا شود دریافت محاکوم[ُ] به سال‌ها به درازا خواهد کشید؛ در حالی که، هدف قانونگذار از تصویب جزای نقدی اجرای فوری آن است تا منافع جامعه و دولت در تطبیق آن تامین گردد. (اردبیلی، ۱۳۷۹، ۱۲۳) به نظر می‌رسد این ایراد چندان به جا نیست؛ به این دلیل که اگر محاکوم فاقد امکانات مالی برای پرداخت جزای نقدی باشد و اجازه تقسیط نیز داده نشود، تنها راه، اعزام محاکوم به زندان است که مضرات زیادی دارد و با اهداف مقتن از وضع این کیفر، منافات دارد. از همین رو، نظریه غالب پذیرش قسط بندی جزای نقدی است شاید دلیل و مبنای این نظریه حفظ مصالح اجتماعی و دور شدن مجرم از محیط زندان و عوارض و پیامدهای منفی آن باشد.

۴-۲-۱-۳. اخذ جبری جزای نقدی

بعد از حکم محاکمه به پرداخت جزای نقدی، محاکوم[ُ] علیه ملزم است که جزای نقدی را همانند دین، پرداخت کند. در صورت امتناع از انجام این عمل، می‌توان جزای نقدی را مثل دین از فروش اموال منقول، غیرمنقول، معاش یا حساب بانکی متهم وصول کرد. چون قانونگذار در ماده ۳۴۳ قانون اجرآت جزایی حکم کرده است که «مبالغ قابل تأديه به دولت مطابق قواعد اداری تحصیل مالیات و دیون دولتی صورت می‌گیرد». در ماده ۳۱ قانون طرز تحصیل حقوق در باره تحصیل جبری دین که اطلاق آن شامل دین دولتی و شخصی می‌شود، می‌خوانیم: «(۱) هرگاه مديون، دارایي منقول یا غیرمنقول جهت ادائی دین نداشته، ولی شاغل در برابر اجرت باشد، دین به همکاری اداره مربوط با رعایت احتیاجات اولیه مديون از وجه حق الاجرت مديون تحصیل و به داین پرداخت می‌شود. (۲) هرگاه مديون، دین داین را تأديه ننماید، اداره حقوق به تشییت دارایي وی اقدام می‌کند. در صورتی که مديون دارای حساب بانکی باشد یا اموال منقول باشد، اداره حقوق حساب وی را پس از استیдан محاکمه ذیصلاح مسدود و با رعایت احتیاجات اولیه مديون، به تحصیل حق داین، اقدام می‌نماید. (۳) هرگاه حکم قطعی ونهایی در مورد پرداخت حق محاکوم[ُ] له صادر شده باشد و محاکوم[ُ] علیه حاضر به

پرداخت حق محکوم^۳ اه نباشد، اداره به ثبیت دارایی وی اقدام می‌کند. در صورتی که مديون دارای حساب بانکی باشد، اداره حقوق حساب بانکی وی را مسدود و با رعایت احتیاجات اولیه محکوم^۴ علیه به تحصیل حق محکوم^۵ له اقدام می‌نماید.»

۴-۲-۴. اولویت پرداخت امور لازم الاعاده، برجزای نقدی

در مواردی که متهم محکوم به پرداخت امور لازم الاعاده، پرداخت مصارف، جبران خساره و جزای نقدی محکوم شود، پرداخت هرکدام از اینها به حکم ماده ۴۴۴ قانون اجرآت جزایی به ترتیب زیر بر یکدیگر اولویت دارد: «هرگاه حکم به جزای نقدی، پرداخت مصارف، آنچه اعاده اش لازم است و جبران خساره یکجا صادر شده باشد و اموال محکوم^۶ علیه برای ایفای تمامی آن کافی نباشد، نخست آنچه اعاده اش لازم است، تأديه گردیده، از متباقی وجوه بالترتیب مصارف و جبران خساره و اخیراً جزای نقدی پرداخت می‌شود». پرداخت امور لازم الاعاده مانند، مانند پرداخت نفقة و دیون که دیگران بر ذمه او دارند. پرداخت مصارف مانند آن که امین برای نگهداری اموال امانی، پولی را مصرف کرده است. جبران خساره مانند آنکه خسارتنی بر اموال دیگران وارد کرده باشد.

۴-۲-۵. تقدم پرداخت جزای نقدی جرایم شدید بر جرایم خفیف

اگر شخصی مرتکب جنایت، جنحه و قباحت شده باشد و به دلیل ارتکاب آنها از سوی محکمه، محکوم به جزای نقدی شود، به حکم ماده ۳۴۵ قانون اجرآت جزایی، در مرحله اول جزای نقدی جنایت سپس جنحه و سرانجام جزای نقدی قباحت از وجوده حاصله یا از فروش جبری اموال مرتکب صورت می‌گیرد: «هرگاه حکم به تأديات مالی از اثر ارتکاب جرایم متعدد صادر شده باشد، از وجوده نقدی حاصله یا از فروش جبری مایملک محکوم^۷ علیه بالترتیب جزای محکوم^۸ بهای جنایت، بعداً جنحه و سپس قباحت تأديه می‌گردد.»

۴-۲-۶. محاسبه جزای نقدی و حبس در برابر توقيف

اگر شخصی به خاطر اتهام ارتکاب جرمی مدتی توقيف شده باشد، و سپس اتهام مذکور ثابت و از سوی محکمه به پرداخت جزای نقدی تنها محکوم یا محکوم به جزای نقدی و حبس شود، عدالت و انصاف حکم می‌کند که این مدت توقيف او در نظر گرفته شده و از میزان جزای نقدی یا مدت حبس او کاسته شود؛ چون با این توقيف متهم در واقع مجازات شده و حق آزادی او سلب شده است. از نظر ماهیت توقيف و حبس هیچ تفاوتی به هم ندارد. به همین دلیل قانونگذار در فقره (۱) ماده ۳۴۶ قانون اجرآت جزای حکم به محاسبه جزای نقدی در برابر توقيف و در فقره (۲) حکم به مجرای حبس در مقابل توقيف کرده است: «هرگاه

شخص توقيف شود و در نتيجه محاکمه صرف به تأديات نقدی محکوم گردد، در برابر هر روز توقيف معادل عايد روزانه محکوم قبل از توقيف از مبلغ جزای نقدی محکوم بها سنجش و برای وي مجردا داده می شود. اين حکم در مورد ساير وجایب محکوم بها قابل تطبیق نیست». در این فقره، قانونگذار میزان درآمد روزانه محکوم علیه را ملاک محاسبه و مجرای قرار داده است، نه مبلغ معین و ثابت را. انتخاب اين ملاک دو امتياز دارد اولا با عدالت و انصاف نزديکتر است؛ چون درآمد محکومان به جزای نقدی، با توجه شغل و حرفة آنها متفاوت است. حقوق اشخاص که روزانه داراي عايدات بيشتری است با ملاک قراردادن درآمد روزانه آنان پايمال نمي شود و ثانيا نوسانات قيمت پول و كاهش ارزش آن، نيز تأثيری در اين ملاک ندارد. در اين ماده به صراحت بيان شده است که حکم مجرای، مخصوص جزای نقدی است و در مورد ساير تکاليف مالي شخص قابل تطبیق نیست. مثلا اگر کسی به دليل اتهام فرار مالياتي به مدت چند روزی توقيف شود و سپس تنها محکوم به پرداخت مبلغ معين به عنوان ماليه به خزانه دولت شود، مدت توقيفي او از ميزان ماليات که باید پرداخت کند، کسر نمي شود.

اگر کسی به جزای نقدی و حبس با هم محکوم گردد، براساس فقره (۲) اين ماده، مدت توقيف از جزای حبس او نيز کسر و در واقع مجردا داده می شود: «هرگاه حکم شامل حبس و جزای نقدی بوده و مدت توقيف بيشتر از مدت حبس محکوم بها باشد، در اين صورت مدتی که محکوم علیه بيشتر از مدت محکوم بها را در توقيف سپری نموده است، طبق حکم مندرج فقره (۱) اين ماده قبل مجرای می باشد».

بنابراین ایام توقيف و بازداشت قبلی محاسبه و از میزان جزای نقدی کم می شود. منظور از بازداشت قبلی مدت زمانی است که متهم قبل از صدور حکم قطعی و شروع به اجرای آن زندانی شده باشد. (آخندي، ۹۲، ۱۳۶۸) اصل قانوني بودن مجازات و عدل و انصاف ایجاد می نماید که مدت بازداشت قبلی جزء مجازات محکوم علیه بحساب آيد و به نحوی از جزای نقدی کسر گردد. «توقيف های قبل از محکومیت حقی برای محکومین بوجود می آورد که مقنن رعایت این حق را با اجازه و احتساب و کسر کردن از مدت مجازات پذیرفته اند و لهذا لازم است توقيف های سابق را از اجرای قبلی و مقدماتی مجازات بدanim». (گارو، ۱۳۸۹، ۲۱)

جزای نقدی را به شيوه های فوق در صورتی می توان اخذ کرد که محکوم علیه مال منقول یا غیر منقول داشته باشد یا در حساب بانکی او پولی موجود باشد یا جای شاغل و دارای معاش باشد، ولی اگر او هیچ مالی نداشته باشد، آیا جزای نقدی او تبدیل حبس می شود؟ در پاسخ باید گفت که در قوانین جزایی افغانستان، تبدیل شدن جزای نقدی، به حبس پیش بینی

نشده است. بهترین شیوه اخذ جزای نقدی در این گونه موارد، تبدیل آن به خدمات عام المنفعه است. بخشی از مزد او به برای مخارج و نفقة افراد واجب النفقة او پرداخت شود و بخشی دیگر به عنوان جزای نقدی به حساب دولت واریز شود. برای تکمیل شدن روش‌های حصول جزای نقدی راهکارهای دیگری که در قانون جزای کشورها ذکر شده است و اندیشمندان حقوق جزا بدان توصیه نموده اند؛ مانند انجام کار عام المنفعه در بدله جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، پرداخت از سوی اشخاص سوم و تبدیل شدن به حبس از جمله تدابیری است برای رفع معایب جزای نقدی که البته تمامی این تدابیر مرهون دستاورده جنبش دفاع اجتماعی است و جا دارد که قانونگذار افغانستان در تعديل قانون جزا از راهکارهای ذکر شده برای رفع کاستی های جزای نقدی استفاده نماید.

جمع‌بندی

جزای نقدی با مفاهیم مانند جرمیه نقدی، خسارت مالی، دیه و سایر محکومیت‌های مالی کاملاً متفاوت است. جزای نقدی عبارت از مقدار مبلغ معینی است که به حکم محکمه از سوی محکوم علیه در خزانه دولت واریز گردد. در حالی که جرمیه نقدی نیاز به حکم محکمه ندارد، دیه و جبران خسارت به متضرر پرداخت می‌گردد نه به دولت. اصول و قواعد حاکم بر جزای نقدی از سوی قانونگذار عبارتست از تعیین جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی و قلمرو جزای نقدی در جرایم خفیف مانند قباحت و جنحه است و در جرایم از نوع جناحت جزای نقدی پیش‌بینی نشده مگر به صورت استثنای در ضمن برای ثبتیت پول ملی کشور، جزای نقدی با پول افغانی تعیین شده است نه با اسعار خارجی.

قانونگذار افغانستان جهت کاهش معایب جزای نقدی راهکارهای را در پیش گرفته است: برای این که در محکومیت به جزای نقدی کل خانواده محکوم علیه متضرر نشود، تمام دارای محکوم علیه را مشمول جزای نقدی ندانسته است و هم چنین به جهت نوسانات ارزش پول مقرر کرده است که هر از پنج سال میزان جزای نقدی مورد بررسی قرار گرفته و در صورت لزوم تعديل گردد و به خاطر تاثیر گزاری مساوی جزای نقدی روی فقیر و ثروتمند، به قاضی صلاحیت داده است که با توجه به وضعیت محکوم علیه میزان جزای نقدی را افزایش دهد و در تعیین جزای نقدی اهداف مجازات، تناسب میان جرم و جزا، احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی متهم را در نظر گیرد. در جهت وصول جزای نقدی و حتمیت اجرای آن روش‌های برای پرداخت مانند تقسیط جزای نقدی، شناسای اموال و برداشت جزای نقدی از حساب بانکی و اخذ اجرای جزای نقدی را پیش‌بینی نموده است.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. آخندي، محمود، آين دادرسي كيفري، ج ۵، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۶۸
۲. اردبيلي، محمد على، حقوق جزاي عمومي، ج ۳، چاپ شانزدهم، تهران، نشر ميزان، ۱۳۹۷
۳. الهام، غلام حسين، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، نشر ميزان، تهران، ۱۳۸۷
۴. آشوری، محمد، آين دادرسي كيفري، انتشارات سمت، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۷۶
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دوره چهل و دو جلدی، جلد ۲۹، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸
۶. رنه گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق سید ضیاء الدین نقابت، جلد دوم، ابن سینا، ۱۳۴۴
۷. سعید كامل، شرح الاحكام العامة في قانون العقوبات دارسة مقارنة، عمان، الدار العلمية الدولية و دار الثقافة للنشر والتوزيع الطيبة الأولى ۲۰۰۲
۸. عوده، عبدالقادر، التشريع الجنائي الاسلامي، بيروت، ۱۴۰۵
۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسي، دوره دو جلدی، جلد دوم، انتشارات اميركبير، ۱۳۶۷
۱۰. علامه، غلام حيدر، حقوق جزای عمومی افغانستان، چاپ سوم، انتشارات اميري، کابل ۱۳۹۶
۱۱. محمود حسني، نجيب، شرح قانون العقوبات القسم العام، انتشارات دنيا، بي تا
۱۲. معين، محمد، فرهنگ فارسي، دوره شش جلدی، جلد چهارم، انتشارات اميركبير، ۱۳۶۷
۱۳. سیگانی، محمداختر حقوق جزای عمومی، انتشارات مستقبل، ۱۳۹۳ هـ ش
۱۴. شاميياتي، هوشنگ، حقوق جزای عمومي، چاپ يازدهم، تهران، مج، ۱۳۸۲
۱۵. نجيب حسني، محمود، شرح قانون العقوبات القسم العام، بيروت - لبنان، الطبعة الثالثة الجديدة، المجلد الثاني، بي تا
- ب) قوانين
۱۶. کود جزای افغانستان، جريدة رسمی وزارت عدليه، ۱۳۹۶
۱۷. قانون جزای افغانستان، جريدة رسمی وزارت عدليه، ۱۳۵۵
۱۸. قانون اجرات جزائي، جريدة رسمی وزارت عدليه، ۱۳۹۳
۱۹. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲
۲۰. قانون اجرات جزای موقت افغانستان، ۱۳۸۴



سال اول، شماره اول، خزان ۱۴۰۲

